

ORIGINAL ARTICLE

An analysis of several endowments letters by Jani Khan Qashqai and his children

Babak Zeilabpour

Graduated from the History of Islamic Iran in the Ph.D, Department of History, Isfahan University, Iran.

Correspondence

Babak Zeilabpour

Email:

babak.zeilabpour@gmail.com

ABSTRACT

Qashqai tribe is one of the big and ancient tribes of southern Iran. Fars province is the main center of their life, but since the life of the nomads is connected with nature, according to the season they migrate to reach Yailaq and Qeshlaq. During the reign of Fath_Ali_Shah, the Qashqai tribe became a powerful tribe in Fars province that Jani_Khan and his children were the head of it. document containing six endowments letter from Jani_Khan and his children has remained. But what historical information do the endowments letters provide in the field of Qashqai and documentary studies? This article is written with the aim of introducing and analyzing six endowment letters of Jani_Khan and his children with a descriptive analytical method. The results show that some endowment documents remained from the Shahilo family. The geographical scope of these endowments is Fars province and during the governorship of Hossein_Ali_Mirza. The endowments letters indicate that Ismail_Khan Qashqai had another son named Reza_Khan in addition to his two sons named Jani_Khan and Haji_Hassan_Khan. In the endowment letters the shares of five people of the Shahilo_family from their properties in Shiraz and sections of Fars province have been determined. Jani_Khan and his sons named Muhammad_Ali_Khan and Morteza_Gholi_Khan have dedicated their estate. Endowments made with, different motivations, are specific and general specific. By searching for the names of Shaykh al-Islam, the wording of the registration, the place of the seal, and the names of the writers and the registrars we can understand that the endowment letters of Qashqai were organized and registered in a special way in the Islamic court of Shiraz.

KEYWORDS

Estates, Endowment letter, Jani Khan Qashqai, Mohammad Ali Khan Ilkhani, Fars.

How to cite

Zeilabpour, B. (2023). An analysis of several endowments letters by Jani Khan Qashqai and his children. Iran Local Histories, 11(2), 83-96.

© 2023, by the author(s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.

This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

<https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/>

نشریه علمی

تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

تحلیلی بر چند وقف‌نامه از جانی خان قشقایی و فرزندانش

بابک زیلاب‌پور

چکیده

ایل قشقایی یکی از ایلات بزرگ و کهن جنوب ایران است. استان فارس مرکز اصلی زندگی آنها است ولی از آنجا که زندگی عشایر با طبیعت پیوند خورده است، با توجه به فصل سال برای رسیدن به بیلاق و قشلاق کوچ می‌کنند. در دوران سلطنت فتحعلی شاه این ایل در ایالت فارس به ایلی قدرتمند تبدیل شد و جانی خان و فرزندانش ریاست آن را بر عهده داشتند که از آنها یک سند، شامل شش وقف‌نامه باقی مانده است. اما وقف‌نامه‌ها چه اطلاعات تاریخی در زمینه مطالعات قشقایی‌شناسی و سندشناسی ارائه می‌دهند؟ این مقاله با هدف معرفی و تحلیل شش وقف‌نامه از جانی خان قشقایی و فرزندانش با روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که برخی اسناد در قالب وقف‌نامه از خاندان شاهیلو باقی مانده‌اند. محدوده جغرافیایی وقف‌نامه‌ها ایالت فارس و در دوره والی‌گری حسینعلی میرزا فرمانفرما است. وقف‌نامه‌ها مشخص می‌کنند که اسماعیل خان قشقایی علاوه بر دو پسرش به نام‌های جانی خان و حاجی حسن خان پسر دیگری به نام رضا خان داشته است. در وقف‌نامه‌ها سهم پنج نفر از خاندان شاهیلو از املاکشان در شیراز و بلوکات ایالت فارس مشخص شده است. جانی خان و فرزندانش محمدعلی خان و مرتضی‌قلی خان رقیباتشان را وقف کرده‌اند. موقوفه‌ها که با انگیزه‌های مختلفی انجام شده به صورت خاص و عام-خاص هستند. با جستجوی نام شیخ‌الاسلام‌ها و عبارت ثبت و محل‌های سجع‌های مهرها و نام محرران و ثبات می‌توان فهمید که وقف‌نامه‌های قشقایی در محکمه اسلامی شیراز و با روش خاصی تنظیم و ثبت شده‌اند.

واژه‌های کلیدی

املاک، وقف‌نامه، جانی خان قشقایی، محمدعلی خان ایلخانی، فارس.

دانش‌آموخته رشته تاریخ گرایش ایران اسلامی در مقطع دکتری از گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، ایران.

نویسنده مسئول:

بابک زیلاب‌پور

رایانامه:

babak.zeilabpour@gmail.com

استناد به این مقاله:

زیلاب‌پور، بابک (۱۴۰۲). تحلیلی بر چند وقف‌نامه از جانی خان قشقایی و فرزندانش. فصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۱(۲)، ۹۶-۸۳.

۱. مقدمه

ایالت فارس در سلسله قاجار یکی از ایالت‌های مهم ایران به حساب می‌آمد. در فارس علاوه بر گروه‌های جمعیتی شهرنشین و روستانشین، ایلات نیز حضور داشتند. ایلات در تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایالت فارس تأثیر قابل توجهی داشتند. در زمان سلسله قاجار ایل قشقایی یکی از ایل‌های قدرتمند ایالت فارس به حساب می‌آمد. ایل قشقایی که در زمان جانشینان کریم‌خان زند و آقا محمدخان قاجار دچار ضعف سیاسی شده بود در سلطنت فتحعلی‌شاه در ایالت فارس تبدیل به ایلی قدرتمند شد. در این زمان که حسینعلی میرزا فرمانفرما والی فارس بود جانی خان قشقایی و فرزندانش ایلخانی‌گری و ایل‌بیگی‌گری ایل قشقایی و دیگر ایلات فارس را برعهده داشتند. از این دوره زمانی یک سند به صورت طومار شامل شش وقف‌نامه از جانی خان و فرزندانش باقی مانده است که در نوع خود سندی منحصر به فرد هست، بنابراین مقاله پیش‌رو درصدد گره‌گشایی از این مسئله و ابهام است که وقف‌نامه‌ها چه اطلاعات تاریخی به ما ارائه می‌دهند تا بتوانیم در زمینه مطالعات قشقایی‌شناسی و سندشناسی از آنها استفاده بکنیم؟ با توجه به مسئله مورد اشاره سؤال‌های تحقیق عبارتند از اینکه وقف‌نامه‌ها چه داده‌های تاریخی از جانی خان و فرزندانش ارائه می‌دهند؟ همچنین وقف‌نامه‌ها از نظر سندشناسی چه ویژگی‌هایی دارند؟ فرضیه‌هایی که در مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از اینکه در وقف‌نامه‌ها نام واقفان، نسبت‌های فامیلی افراد و رقباتی که در ایالت فارس و دیگر ایالت‌ها وقف شده‌اند را مشخص می‌کنند. از نظر سندشناسی می‌توان متوجه شد سند از نوع وقف‌نامه عام-خاص هست که با ویژگی‌های خاصی همچون جای مهرها و نام محررها در محکمه اسلامی شیراز تنظیم شده است.

در حوزه پژوهش‌های قشقایی‌شناسی، شش وقف‌نامه اولین مورد از نوع اسناد وقف‌نامه‌ای است که در این مقاله معرفی و تحلیل می‌شود. پیش از این از ایل قشقایی در دوره فتحعلی‌شاه براساس منابع اسنادی پژوهشی انجام نشده است. در مطالعاتی که در حوزه ایل قشقایی انجام می‌شود ضروری است که محققان به منابع دست اول و اصیل دسترسی داشته باشند، بنابراین مقاله با هدف معرفی و تجزیه و تحلیل کردن شش وقف‌نامه از جانی خان قشقایی و فرزندانش نوشته شده است. در نگارش مقاله حاضر برپایه منابع کتابخانه‌ای و تحلیل شکلی و محتوایی وقف‌نامه‌ها از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

۲. سنت وقف و اسناد وقفی

مردم ایران از سنت وقف به طور گسترده استفاده می‌کردند. عمل وقف به کشورهای اسلامی محدود نمی‌شود بلکه پدیده‌ای جهانی است که تمام ادیان از وقف استفاده می‌کنند. وقف کردن که در فقه و تعالیم اسلامی سفارش شده است، قواعد مشخصی دارد که با انگیزه‌های مذهبی برای کمک به دیگران انجام می‌شود. در اسلام وقف یعنی حبس کردن عین مال و رایگان کردن منفعت آن و اگر شخص بمیرد عمل او منقطع می‌شود مگر سه چیز، فرزند صالح و دانشی که بعد از مردن آن شخص مردم از آن منتفع شوند و صدقه جاریه (سپنتا، ۱۳۴۶: ۱۵-۱۴). در صدر اسلام از وقف با نام صدقه جاریه نام برده شده است. در قرآن کریم، آیه‌ای که با صراحت از لفظ وقف استفاده کرده باشد نیامده است اما آیاتی هستند که عموماً با نام‌هایی چون انفاق، احسان، صدقه، عمل صالح، باقیات صالحات بر انجام خیرات تشویق می‌کنند^۱. در سیره پیامبر (ص) و ائمه اطهار صدقه و وقف به طور گسترده انجام می‌گرفت (سنت نبوی وقف، ۱۳۶۴: ۵۹-۵۶ و ۵؛ ملک‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۷).

وقف در لغت به معنی نگهداشتن و حبس کردن چیزی، ایستادن در جایی است. وقف اصطلاحاً عمل حقوقی است که مالک، عین مال را از مالکیتش خارج می‌کند و از انتقال مصون می‌دارد و منافعی را در امور خیریه در اختیار شخص یا اشخاصی یا مصرف معینی می‌گذارد (حبس مال) (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۳۹؛ ملک‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۱). وقف باید چهار رکن واقف، عین موقوفه، موقوف‌علیه و صیغه را داشته باشد (ملک‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۰). وقف‌نامه‌ها از نظر حقوقی و تاریخی جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زمان خودشان را منعکس می‌کنند. وقف‌نامه‌ها عموماً شکل ظاهری خاصی دارند که به ترتیب عبارتند از تحمیدیه، وصف انجام کارهای نیک و پاداش اخروی، معرفی واقف و القابش، تأکید بر انجام عمل «وقف صحیح شرعی و حبس مخلد دینی»، شرح موقوفات، مشخص کردن موقوف‌علیه، متولی و وظایفش، تأکید بر اجرای صیغه وقف، لعنت بر طمع‌کاران موقوفه و شاهدان (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۱-۱۷). واقف کسی است که تمامی یا قسمتی از دارایی‌اش را برای شخص یا اشخاصی یا برای مصالح خاصی وقف می‌کند. وقف عام یعنی دارایی را بر امور عام‌المنفعه مانند عزاداری کردن و مدرسه وقف کردن. وقف خاص یعنی مصرف وقف مختص گروهی معین و خاص مانند وقف بر فرزندان باشد و کسی که از طرف وقف‌کننده

می‌شوند و دوره‌ی زمانی آنها بین سال‌های ۱۲۴۶-۱۲۲۰ ق یعنی هنگام والی‌گری حسینعلی میرزا فرمانفرما بر ایالت فارس است.

جانی‌خان قشقایی و فرزندانش از خاندان حاکم بر ایل قشقایی یعنی خاندان شاهیلو بودند که ایلخانان و ایل‌بیگان قشقایی از این خاندان انتخاب می‌شدند. جد بزرگ جانی‌خان و فرزندانش به امیرغازی شاهیلو می‌رسد که سلسله‌نسب‌شان بدین صورت است: جانی‌خان فرزند اسماعیل‌خان فرزند جانی‌آقا فرزند نامدار آقا فرزند بیگ‌محمد آقا فرزند صفرعلی آقا فرزند جانی‌آقا فرزند غازی آقا فرزند امیرغازی شاهیلو قشقایی (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۰/۲؛ معین‌دفتر، ۱۳۹۹: ۲۱)^۱.

اولین فرد از خاندان قشقایی که در منابع تاریخی از او نام برده شده اسماعیل‌خان پدر جانی‌خان واقف است. اسماعیل‌خان که در وقف‌نامه‌های شماره‌های ۱۰۲ و ۱۰۱ نامش آورده شده است به لحاظ زمانی در دوره‌ی فترت پس از سقوط سلسله‌صفویه یعنی در حکومت‌های افشاریه و زندیه زنده بود و به دستور نادرشاه افشار کور می‌شود (قشقایی، ۱۳۹۱: ۲۱۶؛ اپرلینگ، ۱۳۹۳: ۳۲)^۲. در زمان حکومت کریم‌خان رؤسای قشقایی به دربار خان زند در شیراز راه می‌یابند و این زمانی است که ایل قشقایی پس از یک دوره‌ی سختی و سرکوب توسط نادرشاه که بخشی از قشقایی‌ها به خراسان تبعید شده بودند دوره‌ای از آرامش را سپری می‌کردند (مروی، ۱۳۶۴: ۹۵۸/۳؛ کندوله‌ای، ۱۳۹۶: ۲۴۲). اسماعیل‌خان در دربار زند محل مشاوره و مشورت بود (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۰/۲). به نوشته‌ی محمدهاشم آصف، کریم‌خان «اسماعیل‌خان اعمی سر ایل قشقایی را ندیم و کلیم خود قرار داد»، و هاشم‌خان قشقایی برادر اسماعیل‌خان را به مقام ایل‌بیگی منصوب کرد (آصف (رستم‌الحکما)، ۲۵۳۷: ۳۵۵، ۳۶۶). عبدالرزاق بیگ دنبلی در کتابش آورده که کریم‌خان میرزا محمدجعفر اصفهانی را وزیر خود قرار داد و وکیل دیوانش اسماعیل‌خان قشقایی بود (دنبلی، ۱۳۴۹: ۱۳۲/۱-۱۳۱). وهبی سنبل‌زاده سفیر عثمانی که در ۱۱۸۹ ق به دربار کریم‌خان زند در شیراز می‌رود اسماعیل‌خان قشقایی را فردی نابینا و ایل‌بیگی ایالت فارس توصیف می‌کند (سنبل‌زاده، ۱۳۶۸: ۲۵۵). با فوت کریم‌خان در سال ۱۱۹۳ ق و رقابت بزرگان زند بر سر جانشینی‌اش، اسماعیل‌خان از زکی‌خان حمایت می‌کند. سرانجام اسماعیل‌خان در رقابت‌ها

حق استفاده از منافع موقوفه را دارد موقوفه‌علیه گویند (ملک-زاده، ۱۳۸۵: ۲۱۲؛ رضایی، ۱۳۹۰: ۱۳۹). متولی کسی است که برحسب مشخصاتی که واقف در وقف‌نامه آورده است به اداره امور وقف می‌پردازد، و معمولاً حق‌الزحمه‌ای در وقف‌نامه برایش معین می‌شود که در اغلب وقف‌نامه‌ها یک عشر درآمد موقوفه است. محل و سیمت متولی در اداره موقوفه تولید خوانده می‌شود (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۲). ناظر فردی است که از طرف واقف بر عملکرد متولی نظارت می‌کند. اگر متولی کارهایش وابسته به تصویب و امضای ناظر باشد او را ناظر استصوابی گویند. اگر متولی ملزم باشد که امور وقف را به اطلاع ناظر برساند او را ناظر اطلاعی گویند (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۲؛ سنت نبوی وقف، ۱۳۶۴: ۷۵-۷۴).

۳. مشخصات ظاهری وقف‌نامه‌ها

وقف‌نامه‌ها در رو و پشت یک طومار به رنگ قهوه‌ای روشن نوشته شده‌اند. این طومار به شماره ۹۹۷/۳۶۴ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا. نگهداری می‌شود. طومار شامل هفت برگ کاغذ آهار مهره دست‌ساز به هم پیوسته است که محل اتصال کاغذها (بندها) در دو طرف در رو و پشت توسط جانی‌خان قشقایی واقف و شیخ‌الاسلام‌ها و قاضی شیراز، مهر شده‌اند. در رو و پشت این طومار، شهود در جانب وحشی (حاشیه سمت راست) و در بالا مهر زده‌اند. همچنین در جانب وحشی شرح‌هایی در باب وقف‌نامه‌ها دیده می‌شود. روی طومار و در وقف‌نامه شماره یک در فاصله بین تحمیدیه و متن اصلی، شیخ‌الاسلام محکمه شرعیه مهر زده و دو وقف‌نامه دیگر نوشته شده‌اند. متن‌ها با مرکب سیاه با خطوط ثلث، ثلث تحریری، رقعۀ تحریری، شکسته نستعلیق، شکسته تحریری و نسخ نوشته شده‌اند. در وقف‌نامه شماره یک، برخی از کلمه‌ها و جمله‌ها به رنگ شنگرف نوشته شده‌اند. این طومار سالم و بدون هیچ‌گونه آسیب دیدگی فیزیکی است.

۴. خاندان قشقایی

طومار، شامل شش وقف‌نامه است که دو موردش به جانی‌خان قشقایی، سه موردش به محمدعلی‌خان فرزند جانی‌خان و یک مورد مشترکاً به محمدعلی‌خان و مرتضی‌قلی‌خان فرزندان جانی‌خان تعلق دارند. محدوده جغرافیایی وقف‌نامه‌ها ایالت فارس را شامل

^۱ معین‌دفتر برخلاف فارسنامه ناصری، املاقی قاضی آقا را به صورت غازی آقا فرزند امیرغازی نوشته است.

^۲ حسینی فسایی در فارسنامه ناصری زمان کور شدن اسماعیل‌خان از هر دو چشم را اواخر سلطنت زندیه می‌نویسد. اما چندان صحیح نمی‌باشد زیرا در کتاب گلشن مراد نوشته شده است زمانی که در ۱۱۷۵ ق کریم‌خان زند قلعه ارومی را تصرف می‌کند قصد کشتن هاشم‌خان برادر اسماعیل‌خان اعمی را می‌کند. محمدهاشم آصف می‌نویسد کریم‌خان، اسماعیل‌خان اعمی را ندیم خود قرار می‌دهد. سنبل‌زاده که در ۱۱۸۹ ق از طرف عثمانی به دربار کریم‌خان می‌رود اسماعیل‌خان را فردی نابینا معرفی می‌کند. پس می‌توان گفت که اسماعیل‌خان قشقایی پیش از کریم‌خان زند کور شده است (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۱۱۰/۲؛ غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۱۹۸؛ آصف (رستم‌الحکما)، ۱۳۶۸: ۲۵۵).

و چون وارثی نداشت رقباتش به‌طور موروثی به برادرش جانی‌خان می‌رسد (وقف‌نامه‌های شماره‌های ۱ و ۲).

منابع تاریخی مکتوب و تاریخ شفاهی ایل قشقایی، اسماعیل‌خان را صاحب دو فرزند پسر به نام‌های جانی‌خان و حسن‌خان معرفی می‌کنند حال آنکه در وقف‌نامه‌های معرفی شده در این نوشتار نام سومین فرزند پسر اسماعیل‌خان به نام رضاخان (که فوت شده بود) و رقباتش نیز آمده است. همچنین وقف‌نامه‌ها مشخص می‌کنند که رضاخان یک دختر داشته که اموال پدرش را به ارث می‌برد. این دختر که نامش نیامده ولی با عنوان صبیبه نام برده شده همسر پسرعمویش محمدعلی‌خان فرزند جانی‌خان معرفی می‌شود (وقف‌نامه‌های شماره ۱: رمضان ۱۲۲۰ و شماره ۲: رجب ۱۲۳۰). در مورد همسران محمدعلی‌خان ایلخانی پیشتر می‌دانستیم که دو همسر داشت، او در ۱۲۴۰ و اندی با یکی از دختران فرمانفرما والی فارس ازدواج می‌کند (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۰/۲) و همسر دوم محمدعلی‌خان، ستاره بی‌بی همسر برادرش مرتضی‌قلی‌خان بود که پس از کشته شدنش در ۱۲۴۹ ق محمدعلی‌خان با ستاره بی‌بی ازدواج می‌کند (قهرمانی (معین‌دفتر)، ۱۳۹۹: ۵۵). بنابراین از رضاخان و تنها دخترش که همسر محمدعلی‌خان بوده به جز وقف‌نامه‌ها در هیچ منبع تاریخی نام برده نشده‌اند.

جانی‌خان در جنگ زندگی‌ها با آقامحمدخان قاجار از جعفرخان و سپس لطفعلی‌خان زند حمایت می‌کند. بنابراین آقامحمدخان قشقایی‌ها را سرکوب می‌کند، و در ۱۲۰۲ ق وقتی او برای تصرف فارس از تهران به چمن‌گندمان چهارمحال می‌رود سپاهی برای چپاول ایل قشقایی که در خسروشیرین^۲ اقامت داشت می‌فرستد اما قشقایی‌ها زودتر آگاهی می‌شوند و پیش از حمله به کوه‌ها پناه می‌برند (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۳۰۶). با این حال آقامحمدخان دوهزار خانوار قشقایی را به منطقه چهارلنگ بختیاری و پنج‌هزار خانوار قشقایی را به ورامین و مازندران تبعید می‌کند (ابریلینگ، ۱۳۹۳: ۴۱). آقامحمدخان تلاش‌هایی برای دستگیری جانی‌خان انجام می‌دهد اما او و خانواده‌اش به کوه‌های زاگرس پناه می‌برند. سرانجام آقامحمدخان پس از دستگیر شدن لطفعلی‌خان زند در بهم در ربیع‌الثانی ۱۲۰۹ (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۳۹۰) در شوال ۱۲۰۹ ق با صدور فرمانی، جانی‌خان قشقایی که «از امنای دولتیان توهیم نموده از خانه و مسکن خود فراری و در گوشه و کنار ولایات بعیده متواری» بود را مورد عفو قرار می‌دهد (ساکما: ۹۹۹/۰۴۰۵۴۹).

و جنگ‌های داخلی خاندان زند توسط علی‌مرادخان زند در میدان نقش جهان اصفهان کشته می‌شود (خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲: ۵۷۹؛ میرزا محمد کلانتر فارس، ۱۳۲۵: ۶۹-۷۰؛ غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۴۸۱-۴۸۲) و در تخته‌فولاد اصفهان به خاک سپرده می‌شود.

پس از کشته شدن اسماعیل‌خان فرزندش جانی‌خان^۱ به‌طور موروثی با لقب ایل‌بیگی رئیس ایل قشقایی می‌شود (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۰/۲). جانی‌خان همان فردی است که در این وقف‌نامه‌ها دو بار وقف انجام داده است (شماره‌های ۱ و ۲). حسن‌خان فرزند دیگر اسماعیل‌خان که در وقف‌نامه‌ها نامش با عنوان حاجی حسن‌خان آمده به نوشته غفاری کاشانی، صادق‌خان زند که ابتدا در ۱۱۹۳ ق راه همکاری با ابوالفتح‌خان را پیش گرفت «دست غمز و حمایت مفسدان و غمازان را از دامن دولت کوتاه گردانیده حسن ولد اسماعیل‌خان قشقایی را که وجود شرانگیز پرورش‌یافته دست سرتیپ آبابی فتنه و امهات فساد بود به قطع ایادی فرمان داد» (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۴۸۳-۴۸۲). اما فارسنامه ناصری حسن‌خان قشقایی را با لقب «معمدالسلطان» برادر اسماعیل‌خان می‌داند و می‌نویسد: «حسن‌خان در دولت زندیه اعتباری داشته در خدمت پادشاه عادل حضرت کریم‌خان زند محل مشاوره بود و برادر ماجد حسن‌خان قشقایی معتمدالسلطان اسماعیل‌خان قشقایی است. مانند برادر خود در خدمت سلاطین زند محل مشاوره گردید در اواخر سلطنت زندیه یا به تهمت یا به بخت و اتفاق دست حسن‌خان را بریدند» (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۰/۲). پیر ابرلینگ در پژوهش تاریخی‌اش در موضوع ایل قشقایی می‌نویسد که جانی‌آقا دو پسر به نام‌های اسماعیل‌خان و حسن‌خان معتمدالسلطان داشت. در حمله نادرشاه به هندوستان در ۱۱۵۰ ق دو برادر شرکت داشتند. اما هنگام لشکرکشی، آنها با نادرشاه اختلاف‌هایی پیدا کردند. پس شاه افشار اسماعیل‌خان را از هر دو چشم‌کور و حسن‌خان معتمدالسلطان کشته شد (ابریلینگ، ۱۳۹۳: ۳۱-۳۲). باتوجه به مطالب بالا می‌توان گفت که حسن‌خان قشقایی دو نفر بودند، یک حسن‌خان با لقب معتمدالسلطان برادر اسماعیل‌خان قشقایی که توسط نادرشاه کشته می‌شود. همچنین در مورد حسن‌خان دوم، آنچه برایمان قطعی است و وقف‌نامه‌های معرفی‌شده در این مقاله تأیید می‌کنند آن است که حسن‌خان با لقب حاجی فرزند اسماعیل‌خان قشقایی است که در اواخر سلسله زند دست‌هایش قطع و بین سال‌های ۱۲۳۰-۱۲۲۰ ق فوت می‌شود

۱. پیر ابرلینگ او را با نام جان‌محمد آقا معروف به جانی‌آقا می‌نویسد (۱۳۹۳: ۳۱ و ۳۷-۳۸).
 ۲. خسروشیرین دهستانی از توابع بخش بهمن و صغاد در شهرستان آباد استان فارس است.

(۱۲۲۴-۱۲۸۳ق) بود (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۰۳/۲-۱۱۰۰).^۲ وقف‌نامه‌های معرفی‌شده در این مقاله به جانی‌خان و پنج پسرش مربوط می‌شوند. در وقف‌نامه شماره یک (رمضان ۱۲۲۰ق) جانی‌خان اموالش را وقف حسینقلی‌خان، محمدعلی‌خان و مرتضی‌قلی‌خان می‌کند و در وقف‌نامه شماره دو (سه رجب ۱۲۳۰) جانی‌خان باقی‌مانده اموالش و برادر مرحومش حاجی حسن‌خان را برای فرزندان تازه به دنیا آمده‌اش مصطفی‌قلی‌خان و محمدقلی‌خان وقف می‌کند.

در باب تاریخ فوت جانی‌خان، در وقف‌نامه شماره دو (سوم رجب ۱۲۳۰) از جانی‌خان با عنوان عالی‌جاه اما در وقف‌نامه شماره سه (رجب ۱۲۳۹) از او با عنوان مرحمت‌پناه نام برده شده است، بنابراین جانی‌خان بین سال‌های ۱۲۳۹-۱۲۳۰ق فوت می‌شود. فارسنامه ناصری تاریخ فوت جانی‌خان را ۱۲۳۹ق آورده است (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۰۱/۲) اما براساس منابع مکتوب نویافته تاریخ ۱۲۳۹ق اشتباه است. در کتابچه بیاض از محمدعلی‌خان ایلخانی در حاشیه یکی از دعاها تاریخ فوت جانی‌خان شهر صفر ۱۲۳۲ نوشته شده است (بیاض محمدعلی‌خان ایلخان قشقایی: ۱۹۲). همچنین در نسخه خطی با عنوان منشات که متنش در سده دوازدهم و حاشیه‌اش در سده سیزدهم قمری نوشته شده، در حاشیه یکی از متن‌ها محمدجعفر منشی فرمانفرما والی ایالت فارس شرح می‌دهد که پس از فوت جانی‌خان حکم ایلخانی‌گری محمدعلی‌خان را به دستور فرمانفرما در ربیع‌الثانی ۱۲۳۲ نوشته است (منشات: ۴۰). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که جانی‌خان ایلخانی نه در ۱۲۳۹ق بلکه در صفر ۱۲۳۲ فوت می‌شود. همچنین فارسنامه ناصری سالی که جانی‌خان به مقام ایلخانی می‌رسد را ۱۲۳۴ق آورده است (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۰۱/۲) این تاریخ نیز با توجه به سال فوت جانی‌خان در صفر ۱۲۳۲ اشتباه است. در زمان جانی‌خان و فرزندان ایل قشقایی از نظر جمعیت و مالکیت ارضی گسترش می‌یابند. جانی‌خان در ایجاد سلسله‌مراتب سیاسی و اجتماعی مشخص و منظم در ایل قشقایی نقش مهمی داشت، از این‌رو خاندان شاهیلو پس از او به خاندان جانی‌جان‌لو نیز معروف شدند.

بنابراین رویه حکومت قاجار نسبت به ایل قشقایی تغییر می‌کند البته در سلطنت فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲ق) روند همراهی قشقایی‌ها با حکومت قاجار آغاز می‌شود. حسینعلی میرزا فرمانفرما والی فارس طی حکمی در ربیع‌الثانی ۱۲۳۰ جانی‌خان را با لقب «عمده‌الخوانین العظام»، ایل‌بیگی ایلات فارس و ضابط بلوکات ابواب‌جمعی ایلات، کامفیروز، شول دِلخان، فراش‌بند، آباده طشک و سرحد شش‌گانه معرفی می‌کند. در این حکم برای جانی‌خان ایل‌بیگی و فرزندان حاجی حسینقلی‌خان، مرتضی‌قلی‌خان مبلغ پانصد تومان تبریزی مستمری و مخارج سالانه از جمیع ایلات قشقایی به‌واسطه خدمت و حسن ارادت و کاردانی واگذار می‌کند (بهادری قشقایی، ۱۳۹۹: ۲۶).

جانی‌خان در ابتدا لقب ایل‌بیگی داشت و سپس از طرف فتحعلی‌شاه مفتخر به لقب ایلخانی و فرزندش محمدعلی‌خان ایل‌بیگی می‌شود. به نوشته خاوری شیرازی، رؤسای این طایفه همیشه به طریق کدخدایی و فروتنی مدار می‌گذرانیدند و به‌سبب این فروتنی و کدخدایی بر سایر ریش‌سفیدان ایلات فارس از عرب و ترک و غیره ریش‌سفید و ایل‌بیگی می‌گردیدند. در سالی که حاجی میرزا رضاقلی نوای منشی‌الممالک از وزارت خراسان معزول و بعد از زیارت بیت‌الله الحرام به شیراز رفت و به وزارت فارس مشغول شد، جانی‌خان قشقایی معروف به ایل‌بیگی که مردی نیکوروش و کدخدانش بود با او خصوصیت کرد تا به توسط مشارالیه به قاعده ملک خراسان لقب ایلخانی گرفت (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۸۸۷/۲). ایلخانی‌گری جانی‌خان محدود به ایل قشقایی نبود بلکه او ایلخانی کل ایلات فارس بود (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۰۱/۲؛ قهرمانی (معین‌دفتر)، ۱۳۹۹: ۲۱).

جانی‌خان ابتدا با دختر حاج اسدالله‌خان کامفیروزی از طایفه چهارده‌چریک ازدواج می‌کند که حاصل این وصلت پسری به نام حاج حسینقلی‌خان است. همسر دوم جانی‌خان، نازلی بی‌بی دختر حسین‌خان بود (قشقایی، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۵). حاصل این ازدواج چهار پسر به نام‌های محمدعلی‌خان (۱۲۰۸-۱۲۶۶ق)، مرتضی‌قلی‌خان (ف ۱۲۴۹ق)، مصطفی‌قلی‌خان (ف ۱۲۴۸ق)، محمدقلی‌خان

۱. جانی‌خان و فرزندانش ایل‌بیگی‌گری و ایلخانی‌گری بخش عمده‌ای از ایلات فارس را برعهده داشتند از جمله قشقایی، خلیج، عرب، باصری، نفر، بهارلو، چهارده‌چریک، اسلاملو، علی‌بیگلو، لشنی و جامه‌بزرگی، ناصری و شکاری، زنگنه و ابوالوردی آنها ضابط بلوکات به ویژه بلوکات قشقایی‌نشین مانند کامفیروز، شول دِلخان، فراش‌بند، آباده طشک و سرحد شش‌گانه (بهادری قشقایی، ۱۳۹۹: ۳۹)، اربعه، افزر، سرحد چهاردانگه، دیزکرد و فیروزآباد بودند و وظیفه برقراری نظم و دریافت متوجهات دیوانی را برعهده داشتند. بنابراین جانی‌خان و فرزندانش القاب ایل‌بیگی/ایلخانی ایلات فارس یا ایل‌بیگی/ایلخانی ایالت فارس داشتند که این موضوع بیشتر در اسناد انعکاس دارد.

۲. تاریخ فوت محمدعلی‌خان قشقایی براساس تاریخ سنگ قبر او در پیرناب شیراز ۱۲۶۶ق است اما در فارسنامه ناصری تاریخ فوت محمدعلی‌خان ۱۲۶۸ق نوشته شده است. فارسنامه ناصری تاریخ فوت محمدقلی‌خان را ۱۲۸۴ق نوشته است اما تاریخ فوت وی براساس سندی که حکم ایلخانی‌گری سلطان محمدخان به جای پدر مرحومش می‌باشد ذیقعه ۱۲۸۳ق است (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۰۲/۲).

نظر کرمان بودند، مقاومت می‌کنند. نیروهای فرمانفرما به همراه قشقایی‌ها به ریاست مصطفی‌قلی‌خان سرتیپ^۱ به قلعه باغ نظر حمله می‌کنند اما در این جنگ ارغون‌میرزا فرزند حسنعلی‌میرزا شجاع‌السلطنه و مصطفی‌قلی‌خان قشقایی در ۱۲۴۸ ق کشته می‌شوند که سرانجام قلعه باغ نظر کرمان تصرف می‌شود و ایل قشقایی به ایالت فارس بازمی‌گردد (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۴۸۹/۲-۴۹۲؛ جهانگیر میرزا، ۱۳۲۷: ۱۶۸-۱۶۵).

مرتضی‌قلی‌خان ایل‌بیگی از جمله واقفان، (وقف‌نامه شماره پنج جمادی‌الاول ۱۲۴۵) که در کوچ ایل قشقایی به ایالت کرمان تأثیر قابل توجهی داشت از شصت‌هزار خانوار ایلات فارس دوهزار خانوار ثروتمند را انتخاب می‌کند و سپس دوهزار نفر نوکر از این دوهزار خانوار برمی‌گزیند و آنها را عمله می‌نامد او این دوهزار نفر عمله را همیشه مسلح نگه می‌داشت (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۸۸۷/۲). مرتضی‌قلی‌خان که به سیاست‌های فرمانفرما معترض بود سرکشی می‌کند. اما آقاباباخان مازندرانی فراشبازی فرمانفرما با منصب سرداری مملکت فارس از طرف فرمانفرما مأمور می‌شود تا مرتضی‌قلی‌خان را دستگیر بکند. پس کریم‌خان بیدشهری صاحب قلعه پریان در بلوک قیر و کارزین با آقاباباخان مازندرانی همکاری می‌کند. زمانی که مرتضی‌قلی‌خان به قلعه پریان می‌رود و از حکم دستگیری‌اش توسط آقاباباخان مازندرانی آگاه می‌شود بر اثر جنگ بین دو طرف مرتضی‌قلی‌خان مجروح و در شیراز در ۱۲۴۹ ق فوت می‌شود (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۵۰۷-۵۰۵/۲)؛ حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۰۳/۲).

۵. متولی موقوفه‌ها

در وقف‌نامه‌های شماره‌های ۲ و ۱ (۳ رجب ۱۲۳۰، ۱۲ رمضان ۱۲۲۰)، متولی موقوفه‌ها ابتدا خود جانی‌خان واقف است که مقرر می‌کند پس از فوتش، اصلح و ارشد فرزندان ذکورش متولی باشد و پس از او فرزندان فرزندان ذکورش نسل بعد متولی باشند و پس از انقراض اولاد ذکور واقف متولی، اولاد ذکور فرزندان دختر باشند و بر فرض انقراض فرزندان دختر، متولی موقوفه‌ها اولاد اولاد ذکور خویشاوندان نسبی واقف باشند و بر فرض انقراض نسل واقف، اصلح و افضل علمای شیراز متولی باشد. در دیگر وقف‌نامه‌ها نیز همین شرط برای متولی موقوفه‌ها وجود دارد با این تفاوت که در

پس از جانی‌خان، محمدعلی‌خان ایلخانی و برادرش مرتضی‌قلی‌خان ایل‌بیگ مملکت فارس می‌شوند، این‌ها نیز از جمله واقفان هستند. مناسبات سیاسی محمدعلی‌خان ایلخانی با حسینعلی‌میرزا فرمانفرما سراسر سازش نبود بلکه با دشمنی‌هایی همراه بود. محمدعلی‌خان ابتدا در ۱۲۴۰ و اندی با یکی از دختران فرمانفرما ازدواج می‌کند (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۰۲/۲). اما بعداً این روابط تیره می‌شود. حاجی میرزا علی‌اکبرخان قوام‌الملک کلانتر مملکت فارس و محمدعلی‌خان ایلخانی چون از میرزا محمدعلی‌خان مشیرالملک وزیر فرمانفرما وحشت داشتند قرار ازدواج دو خاندان را می‌گذارند اما مشیرالملک این موضوع را به صورت دیگری به فرمانفرما القا می‌کند پس فرمانفرما برای مدتی نسبت به آنها بی‌توجهی نشان می‌دهد (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۸۴۴/۲). در روایتی دیگر به علت تمایل محمدعلی‌خان به عباس میرزا ولیعهد که فرمانفرما با او رقابت می‌کرد فرمانفرما محمدعلی‌خان را دستگیر و اموالش را مصادره می‌کند (نصیری طیبی، ۱۳۹۳: ۱۸). در نتیجه مرتضی‌قلی‌خان ایل‌بیگی در اعتراض به رفتار فرمانفرما در اواخر ۱۲۴۷ ایل قشقایی را به کرمان کوچ می‌هد. در کرمان سیف‌الملوک میرزا فرزند علی‌شاه ظل‌السلطان برادرزاده و داماد عباس میرزا ولیعهد، حاکم کرمان بود، او از کوچ ایل قشقایی استقبال می‌کند و به قشقایی‌ها در کرمان، بم و نرماشیر یورت می‌دهد. در این زمان ایالت کرمان وضع ناآرامی داشت مخصوصاً که پس از جنگ‌های ایران و روس حسنعلی‌میرزا شجاع‌السلطنه برادر بطنی فرمانفرما در کرمان قدرت داشت و با عباس‌میرزا رقابت می‌کرد پس عباس‌میرزا تلاش می‌کرد تا قدرتش در کرمان را تثبیت بکند (گیبونز، ۱۳۹۵: ۹۷-۱۰۰). با آگاهی عباس‌میرزا و فتحعلی‌شاه از کوچ ایل قشقایی، فتحعلی‌شاه به فرمانفرما دستور می‌دهد که ایل قشقایی را به فارس بازگرداند. محمدعلی‌خان ایلخانی نیز شرط بازگشت قشقایی‌ها را عزل مشیرالملک از وزارت اعلام می‌کند. پس فرمانفرما مشیرالملک را عزل می‌کند و محمدعلی‌خان ایلخانی به اردوی فرمانفرما وارد می‌شود اما ایل قشقایی که قصد بازگشت به فارس را داشت سیف‌الملوک میرزا مخالفت می‌کند. بنابراین به علت نارضایتی مردم کرمان از سیف‌الملوک میرزا، فرمانفرما او را دستگیر می‌کند و به فارس می‌فرستد اما همسر سیف‌الملوک میرزا که دختر عباس‌میرزا بود به همراه فوج همدانی به ریاست علی‌نقی‌خان قراقرلو سرهنگ که از طرف عباس‌میرزا مأمور محافظت از قلعه باغ

^۱ مصطفی‌قلی‌خان که به علت شجاعتش لقب قولرآقاسی داشت حسینعلی‌میرزا فرمانفرما در ذی‌حجه ۱۲۴۲ طی فرمانی به او القاب «قولرآقاسی‌گری و لشکرآرایی و ریش‌سفید طوایف عرب و غلام‌پیشخدمتی خاصه شریفه» می‌دهد (بهادری قشقایی، ۱۳۹۹: ۳۱-۳۰).

که همسر محمدعلی‌خان ایلخانی بود به ارث می‌رسد. در وقف‌نامه شماره ۵ (۹ جمادی‌الاول ۱۲۴۵) شش دانگ عین موقوفه روستای هاشم‌آباد در بلوک مائین فارس به‌طور مشترک توسط محمدعلی‌خان ایلخانی و برادرش مرتضی‌قلی‌خان ایل‌بیگی وقف شده‌اند. اما عین موقوفه‌های وقف‌نامه‌های شماره‌های ۶ و ۴، ۳ (۱۵ رجب ۱۲۴۶، غره رجب ۱۲۴۰، غره رجب ۱۲۳۹) توسط محمدعلی‌خان ایلخانی وقف شده‌اند. در این وقف‌نامه‌ها محمدعلی‌خان ایلخانی نصف باغ ارم شیراز، رقبات حومه شیراز از جمله روستاهای کردخوان، سهل‌آباد، مزرعه‌های علی‌آباد، کوشک‌بابا و در بلوکات فارس شامل آواده سورمق، اربعه، سمیرم علیا و فیروز‌آباد، روستاها و مزرعه‌های زیادی را وقف می‌کند. همچنین محمدعلی‌خان بر رقباتی که در وقف‌نامه‌های پیش از وقف‌نامه شماره ۶ در حومه شیراز ۵ دفعه و بلوکات آواده سورمق ۳ دفعه وقف شده است تأکید می‌کند.

به‌طور کلی تمام رقباتی که در وقف‌نامه‌ها آمده‌اند بخشی موروثی و بخشی خریداری شده هستند. مالک این رقبات، خاندان شاهیلو بودند. مالکیت ارضی عامل مهمی در قدرت اقتصادی-سیاسی افراد و خاندان‌ها در دوره قاجار محسوب می‌شد پس این رقبات از جمله عوامل قدرت خاندان شاهیلو محسوب می‌شود. بخشی از این رقبات به دوره زندیه و بخشی دیگر به حکومت قاجار تا ۱۲۴۶ق (تاریخ آخرین وقف‌نامه) مربوط می‌شوند. از ایل قشقایی از این دوره‌های تاریخی اسناد ملکی زیادی باقی نمانده است بنابراین رقبات مشخص شده در این شش وقف‌نامه می‌توانند بخشی از مالکیت ارضی خاندان شاهیلو را مشخص کنند.

۷. موقوف‌علیه (مصارف وقف‌نامه‌ها)

در وقف‌نامه شماره یک جانی‌خان واقف، مصارف عین موقوفه‌هایش را مشخص می‌کند. یعنی منافع عین موقوفه‌ها را هر ساله ابتدا بعد از کسر اخراجات و حقوق دیوانی و تعمیرات ضروری بر سه قسم تقسیم می‌کند: ۱- مقدار چهل من برنج با سایر ضروریات به مصرف سفره امام حسین (ع) برسد. ۲- یک عشر به متولی بابت حق تولیت داده شود البته در صورتی که فرزندان دختر و پسر دختران واقف یا فرزندان پسر فامیل‌های نسبی واقف نسل بعد نسل نیازمند باشند از یک عشر منافع عین موقوفه‌ها که سهم متولی است نیم عشر به متولی و ۹/۵ سهم به آنها تعلق گیرد. یا اگر دختران نیازمند باشند

وقف‌نامه‌های ۳ و ۴ (۱۵ رجب ۱۲۴۶، ۹ جمادی‌الاول ۱۲۴۵، غره رجب ۱۲۴۰، غره رجب ۱۲۳۹) واقف محمدعلی‌خان ایلخانی قشقایی است. البته در وقف‌نامه شماره ۵ (۹ جمادی‌الاول ۱۲۴۵) واقفان محمدعلی‌خان ایلخانی و برادرش مرتضی‌قلی‌خان ایل‌بیگی هستند که متولی موقوفه‌ها پس از خودشان فرزندان ذکورشان است. در وقف‌نامه شماره ۶ محمدعلی‌خان تا زمان زنده‌بودن، متولی موقوفه‌ها است و پس از او ارشد اولاد ذکورش و اولاد اولاد ذکور آنها به شرط تقدم بطن اعلی بر اسفل متولی هستند و بر فرض انقراض نسلشان متولی اعلم علمای شیراز تعیین می‌شود.

۶. عین موقوفه‌ها

همه عین موقوفه‌هایی که توسط واقفان در شش وقف‌نامه، وقف شده‌اند در شهر شیراز و حومه‌اش و بلوکات فارس قرار دارند. در شیراز که به نظر شیروانی، «کنون که سنه ۱۲۳۸ هجریست مشتمل بر قرب شش‌هزار باب خانه و شش دروازه و نه محله» است (شیروانی، ۱۳۳۹: ۸۵۷) عین موقوفه‌ها در محله میدان شاه^۱ قرار دارند که مواردی چون عمارت، خانه‌های نشیمن، اندرون خانه، خلوات، شربت‌خانه، مطبخ، طویله و بهاربند، حمام، دکان‌ها و باغ اسماعیل‌خان را شامل می‌شوند. در حومه شیراز از جمله عین موقوفه‌ها عبارتند از قنات، آسیاب، باغ عمادآباد، روستاهای سهل‌آباد و کردخوان. همچنین بلوکات فارس که عین موقوفه‌ها در آن قرار دارند عبارتند از کامفیروز، اربعه، سمیرم علیا (سرحد شش‌ناحیه)، بیضا، دزکرد، مائین، فیروز‌آباد، آواده و رامجرد. عین موقوفه‌ها در این بلوکات متنوع هستند که مواردی چون قصبه‌ها، روستاها، باغ‌ها، آسیاب‌ها و مزارع را شامل می‌شوند.

در وقف‌نامه‌های شماره‌های ۱ و ۲ (۱۲۳۰ و ۱۲۲۰ق) واقف عین موقوفه‌ها، جانی‌خان قشقایی است در این دو وقف‌نامه‌ها املاکی که بین سه برادر (حاجی حسن‌خان، جانی‌خان و رضاخان) مشترک بودند سهم و دانگ هر کدامشان مشخص شده است. در وقف‌نامه شماره ۱ (۱۲ رمضان ۱۲۲۰) جانی‌خان سهم خود از املاک را وقف می‌کند و در وقف‌نامه شماره ۲ (۳ رجب ۱۲۳۰) او رقبات باقی‌مانده خودش و املاک برادر متوفی‌اش حاجی حسن‌خان که به ارث به او رسیده بود را وقف می‌کند. نکته‌ای که وجود دارد آنکه املاک رضاخان فوت شده که در محله میدان شاه و بلوک‌های سمیرم علیا و بیضا مالکیت داشت و کمتر از دیگر برادرانش بود وقف نمی‌شود بلکه به دخترش

۱. محله میدان شاه محل سکونت رؤسای قشقایی یعنی خاندان شاهیلو بود آنها در این محله صاحب املاک بودند. معتمدالسلطان حسن‌خان پسر جانی‌آقا قشقایی در این محله خانه ساخت او در خدمت کریم‌خان زند بود (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۰/۲). اکنون در این محله باغ ایلخانی و مسجد ایلخانی از بناهای سران قشقایی باقی مانده‌اند.

محمدعلی‌خان ایلخانی در وقف‌نامه‌های شماره‌های ۴،۳ (غرّه) رجب ۱۲۴۰، غرّه رجب ۱۲۳۹) عین موقوفه‌ها را برای فرزندان پسرش نسل بعد نسل صرفاً وقف خاص می‌کند. البته در وقف‌نامه شماره ۵ (۹ جمادی‌الاول ۱۲۴۵) واقفان به‌طور مشترک محمدعلی‌خان ایلخانی و برادرش مرتضی‌قلی‌خان ایل‌بیگی هستند که شش دانگ روستای هاشم‌آباد بلوک مائین ایالت فارس را برای فرزندان پسرشان نسل بعد نسل وقف خاص می‌کنند.

۹. انگیزه واقفان

برای انجام عمل وقف انگیزه‌های متفاوتی وجود دارد، انگیزه دینی و کسب ثواب اخروی، مقبولیت نزد عامه و کسب اعتبار دنیوی، مصون کردن اموال از مصادره و جلوگیری از تکه‌تکه شدن رقبات و غیره می‌تواند انگیزه‌هایی برای وقف باشد (احمدی، ۱۳۹۰: ۴۸). در این شش وقف‌نامه انگیزه‌های واقفان را به‌طور دقیق نمی‌توان فهمید. جانی‌خان و محمدعلی‌خان در انگیزه و مصارف مذهبی-اجتماعی (وقف عام) به‌منظور قربتاً الی‌الله و طلب رضای پروردگار، بخشی از درآمد موقوفه‌ها را برای انجام عزاداری، تعزیه و سفره امام حسین (ع) اختصاص داده‌اند تا خیرات و مبرات را گسترش دهند. چون جامعه شیعه مذهب بود واقفان با برگزاری هرچه باشکوه‌تر مراسم عزاداری امام حسین (ع) در محله میدان شاه شیراز بر مقبولیت و اعتبار اجتماعی‌شان می‌افزودند. همچنین واقفان قشقایی انگیزه‌های مادی (وقف خاص) نیز داشته‌اند که در این مورد انگیزه‌ها و اهداف مختلفی می‌توان استنباط کرد که عبارتند از:

الف. ایجاد تمرکز قدرت و جلوگیری از اختلاف‌های

خانوادگی: واقفان در ساختار سیاسی-اجتماعی ایل قشقایی، به خاندان شاهیلو (جانی‌خانلوی بعدی) تعلق داشتند آنها به‌عنوان نخبگان سیاسی، جزو خاندان حاکم و اشراف ایلی محسوب می‌شدند. ایل قشقایی و خاندان جانی خانلوی به‌عنوان یک ایل و خاندان بومی در ایالت فارس در دربار زند قدرت داشتند. اما آنها در زمان آقامحمدخان در ساختار سیاسی سلسله نوبنیاد قاجار جایگاهی نداشتند تا آنکه آقامحمدخان در ۱۲۰۹ق جانی‌خان قشقایی را عفو کرد (ساکما: ۹۹۹/۰۴۰۵۴۹) و ایل قشقایی در سلطنت فتحعلی‌شاه در ایالت فارس دوباره قدرت خود را بازسازی کرد. جانی‌خان به‌سبب فروتنی و کدخدایی بر سایر ریش‌سفیدان ایلات فارس از عرب، ترک و غیره، ریش‌سفید و ایل‌بیگی گردید (خاوری‌شیرازی، ۱۳۸۰: ۸۸۷/۲). محمدتقی‌خان نفر پدر علی‌اکبرخان در فارس از جمله

متولی به قدر نصف از سهم یک پسر و اگر دو نفر باشند به قدر سهم یک پسر به آنها بپردازد. ۳- بقیه منافع عین موقوفه‌ها بین فرزندان پسر واقف به‌طور مساوی تقسیم شود. شرط ضمن عقد وقف‌نامه این است که کل اعیان موقوفه‌ها به مدت سه سال با عناوینی چون مصالحه، اجازه، عقود واحد یا متعدد به احدی منتقل نشود تا سه سال دوم بیاید.

وقف‌نامه‌های شماره‌های ۶-۲ نیز مبنای مصارف عین موقوفه‌ها را همان شروط وقف‌نامه شماره یک قرار داده‌اند. اما تفاوتی که در وقف‌نامه شماره ۶ وجود دارد آن است که محمدعلی‌خان ایلخانی واقف، مصارف عین موقوفه‌ها بر امام حسین (ع) را سه قسمت کرده است که عبارتند از سهم متولی، سهم‌های صرف تعزیه و سفره امام حسین (ع).

۸. نوع وقف‌نامه‌ها

شش وقف‌نامه از نوع موقوفه‌های خاص و عام-خاص هستند. وقف‌نامه‌های شماره‌های ۶ و ۱، موقوفه‌های عام-خاص هستند عام بدین معنی که بخشی از درآمد عین موقوفه‌ها صرف تعزیه و سفره امام حسین (ع) شده است یعنی موقوف‌علیهم عموم مردم هستند. موقوفه خاص هستند بدین معنی که واقفان بخش زیادی از درآمد عین موقوفه‌ها را بر فرزندان پسرشان با صیغه «وقف مؤبد شرعی و حبس مخلد ملی» وقف کرده‌اند (وقف خاص یا اولادی). در وقف‌نامه شماره ۱ (۱۲ رمضان ۱۲۳۰) جانی‌خان واقف با مشخص کردن سهم رقباتش از سهم دیگر برادرانش (حاجی حسن‌خان و رضاخان) آن رقبات، چه موروثی و چه ایتیمی را بر سه فرزند پسرش (موقوف‌علیهم) حسینقلی‌خان، محمدعلی‌خان و مرتضی‌قلی‌خان که تا آن زمان به دنیا آمده بودند و فرزندان‌شان نسل بعد نسل، وقف خاص می‌کند. در وقف‌نامه شماره دو (۳ رجب ۱۲۳۰) با مشخص کردن سهم رقبات حاجی حسن‌خان قشقایی شرح داده می‌شود که چون حسن‌خان فوت شده تمامی رقباتش ارتناً به برادرش جانی‌جان می‌رسد، و جانی‌خان نیز باقی‌مانده اموال و رقباتش به همراه رقبات ارثی از حسن‌خان را برای دو پسر تازه متولد شده‌اش مصطفی‌قلی‌خان و محمدقلی‌خان که در فاصله ۱۲۳۰-۱۲۲۰ق به دنیا می‌آیند و فرزندان پسرشان نسل بعد نسل وقف خاص می‌کند. در وقف‌نامه شماره ۶ (۱۴ رجب ۱۲۴۶) محمدعلی‌خان، عین موقوفه‌ها را ضمن وقف عام بر «اولاد ذکور موجود و سیوجد^۱ خود نسل بعد نسل» وقف خاص می‌کند.

^۱ سیوجد: آن چیزی که در آینده ایجاد شود. در اینجا منظور فرزندان پسری که در آینده به دنیا بیایند.

اموال محمدعلی‌خان ایلخانی در شیراز به دستور فرمانفرما غارت شد (دیوان‌بیگی شیرازی، ۱۳۶۵: ۱۳۲۲/۲؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۸۹۱/۲، نصیری طیبی، ۱۳۹۳: ۲۱-۲۰).

در وقف رقبات وجود خاندان‌ها و گروه‌های رقیب نیز بی‌تأثیر نبودند. بین ۱۲۴۶-۱۲۲۰ق که جانی‌خان و فرزندانش اموالشان را وقف کردند خاندان نوری در ایالت فارس قدرت داشتند. نوریه در حکومت قاجار مقام‌هایی چون لشکرنویسی، سرتیپی، سرداری، وزارت، دبیری و مستوفی داشتند، اصولاً آنها از خاندان‌های اهل قلم بودند (کومی‌هاسه، پاییز ۱۳۹۱: ۵۲۵) وقتی حسینعلی میرزا در ۱۲۱۴ق والی فارس شد. ۱۰۰۰ نفر از تفنگچی‌های نوریه به امیرالامرای شکرالله‌خان از تهران وارد شیراز شدند و در گذر موردستان محلهٔ درب شاهزاده ساکن شدند. حضور این خاندان غیربومی در شیراز با کشته‌شدن حاجی ابراهیم‌خان صدراعظم و بزرگ خاندان بومی قوام‌الملک در ۱۲۱۵ق هم‌زمان بود. به محمدزکی نوری لقب خانی داده شد و به سمت غلام‌پیشخدمتی (گارد مخصوص) فرمانفرما و انتظام طایفهٔ نوری منصوب شد. او مدت سی‌سال در کمال استقلال در ایالت فارس کار کرد. محمدزکی‌خان در ۱۲۳۲ق سردار فارس بود (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۹۲۰/۹) و در ۱۲۳۸ق منصب وزارت مملکت فارس یافت و سرداری امارت و وزارت را جمع کرد و بر همگی بنادر و بلاد فارس استیلای تمام یافت. او در ۱۲۴۱ق داماد فتحعلی شاه شد. شکرالله‌خان نوری وزیر نوشیروان میرزا پسر فرمانفرما والی بوشهر شد (کومی‌هاسه، پاییز ۱۳۹۱: ۵۳۰ و ۵۲۷) او در ۱۲۲۳ق با دختر حاج ابراهیم‌خان کلاتر ازدواج کرد و در ۱۲۴۲ق داماد حسینعلی میرزا شد (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۷۳۳/۲-۷۳۱؛ حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۹۷۸/۲-۹۷۶؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۷۹۲۰/۹).

به نوشتهٔ شیروانی محمدزکی‌خان چندین وزیر با تدبیر فرمانفرما را مغلوب ساخت و چندین خاندان را از ملک فارس برانداخت و در ضبط و ربط امور ملکی و مالی مطلق‌الengan شد و از جمیع شاهزادگان والاتباع مقدم شد تا آنکه ملقب به سرداراعظم شد (شیروانی، ۱۳۴۸: ۲۹۶-۲۹۴). افزایش قدرت طایفهٔ نوری با زورگویی و اختلاف با فارسیان همراه بود. سران قشقایی نیز با آنها رقابت داشتند. این خاندان غیربومی فارس سرانجام از فارس اخراج شدند. در ابتدا یکی از ملازمان نوریه توسط ترک‌ها کشته شد بعداً نیز یکی از ترک‌ها در شیراز توسط طایفهٔ نوریه کشته شد پس ایالات به شهر آمدند و خواهان تحویل قاتل

بزرگان درجهٔ یک بود و بر تمامی رؤسای ایالات حتی قشقایی تقدم داشت اما بعد از فوت محمدتقی‌خان اعتبار جانی‌خان قشقایی زیاد شد (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۴: ۱۷۸/۱) و به تدریج ایلخانی و ایل قشقایی بر سایر ایالات فارس در جایگاه بالاتری قرار گرفتند. در سلطنت فتحعلی‌شاه، سران ایل قشقایی توانستند با دربار ایالت فارس تا آنجا که امکان داشت روابط دوستانه‌ای برقرار کنند. همچنین جمعیت و مالکیت ارضی ایل قشقایی افزایش یافت. ظاهراً جمعیت ایل قشقایی در زمان محمدعلی‌خان ایلخانی دوازده‌هزار خانوار بود (شیروانی، ۱۳۴۸: ۳۷۲).

مالکیت ارضی عامل بسیار مهمی در قدرت اقتصادی، سیاسی و وجهٔ اجتماعی سران ایالات به حساب می‌آمد، بنابراین باتوجه به متولد شدن و جوان بودن فرزندان سران قشقایی، واقفان قشقایی برای تمرکز قدرت و تثبیت مالکیت، جلوگیری از اختلاف‌های خانوادگی و تکه‌تکه شدن اموال و تعرض حکومت (حفظ مالکیت خصوصی)، شیوع بیماری،^۱ ممانعت از تخریب و کسب درآمد برای فرزندان، رقبات موروثی و ایتباعتی‌شان را برای فرزندانشان وقف خاص کردند. مثلاً در وقف‌نامه‌های مربوط به جانی‌خان می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که اسماعیل‌خان قشقایی سه پسر داشت، رضاخان که پیش از تاریخ وقف‌نامهٔ شماره ۱ (۱۲۲۰ق) فوت شده بود و اموالش به تنها دخترش به ارث رسیده بود که این دختر نیز همسر پسر عمویش محمدعلی‌خان فرزند جانی‌خان می‌شود. جانی‌خان پسر دیگر اسماعیل‌خان در ۱۲۲۰ق رقبات سهم خود از دیگر برادرانش را بر سه فرزند پسرش وقف خاص می‌کند. حاجی حسن‌خان فرزند دیگر اسماعیل‌خان که از دو دست قطع شده بود و گویا فرزندی نداشت پس از فوتش (بین ۱۲۳۰-۱۲۲۰ق) جانی‌خان وارث اموالش می‌شود. جانی‌خان نیز در ۱۲۳۰ق باقی‌ماندهٔ رقباتش و سهم رقبات برادرش حاجی حسن‌خان را به دو فرزند پسر تازه متولد شده‌اش وقف خاص می‌کند. همچنین محمدعلی‌خان و مرتضی‌قلی‌خان نیز رقباتشان را وقف خاص فرزندان پسرشان می‌کنند.

ب. ترس از مصادرهٔ اموال توسط حکومت و وجود

خاندان‌های رقیب: در سلسلهٔ قاجار ممکن بود با تیره شدن روابط سیاسی سران قشقایی با حسینعلی میرزا فرمانفرما والی فارس اموالشان مصادره یا غارت شود. البته این اتفاق نیز افتاد، در هنگام کشته شدن مرتضی‌قلی‌خان و همچنین هنگام سلطنت محمدشاه که فرمانفرما مخالف او بود قشقایی‌ها طرفدار شاه جدید بودند، پس

۱. بنا به نوشتهٔ شیروانی در ۲۷ شوال ۱۲۳۹ زلزله‌ای در شیراز روی داد و در حدود چهل روز بعد بیماری شیوع یافت که در عرض دو سه ماه نزدیک به ۲۰ هزار نفر مردند (شیروانی، ۱۳۴۸: ۲۷۸). بنابراین بیماری می‌توانست در وقف اموال سران قشقایی تأثیر داشته باشد.

قانون ثبت اسناد، مقام شیخ‌الاسلامی عالی‌ترین مقام قضایی محاکم شرعی مورد تأیید و منصوب حکومت بود اما شیخ‌الاسلام‌ها برای حفظ جایگاه مردمی‌شان سعی در حفظ استقلال‌شان از حکومت داشتند (روحی، ۱۳۸۵: ۷/۱؛ طیبی، ۱۳۸۷، پاییز: ۱۸۳-۱۸۲). واقفان قشقایی موقوفاتشان را در «محکمه اسلامی» شیراز به ثبت رسانده‌اند. در سلسله قاجار کلمه محکمه را همزمان برای محل کار حکیم‌باشی و مجتهدان به کار می‌بردند پس برای تمایز شغل مجتهدان، از اصطلاح محکمه شرعی یا اصطلاح نسبتاً جدیدتر دارالشرع، مجلس شرع و محضر شرع (محضر) استفاده می‌کردند. متصدیان محاکم در محضر، اسناد معاملات و نگارش مبیعه‌نامه‌ها و سایر اسناد رایج را تنظیم می‌کردند و سپس خلاصه‌ای از آن را در دفتر ویژه‌ای به نام دفتر شرعیات یا دفتر رسائل ثبت می‌کردند (روحی، ۱۳۸۵: ۸/۱؛ رضایی، ۱۳۹۷، پاییز: ۱۰۰). در دوره قاجار محاکم شرعی شیراز از نظر نگارش و ثبت اسناد روش و سنت خاصی داشتند. هر کدام از محاکم شرعی شیراز ضمن ثبت قباله‌ها و اسناد، در همان قباله‌ها نام محکمه را می‌نوشتند. جای نام محکمه در جانب وحشی (حاشیه سمت راست) در کنار نخستین کلمه از خط اول قباله‌ها نوشته می‌شد. (رضایی، ۱۳۸۸: ۵۱-۵۰). از قدیمی‌ترین محکمه‌های شیخ‌الاسلام‌های شیراز، محکمه اسلامی یا محکمه اسلامی امامیه بود. در سلسله قاجار محاکم شرعی یا دارالشرع‌هایی در شیراز از جمله محمدیه، ناظمیه، طاهریه، مرتضوی، جعفریه، دست غیبیه وجود داشتند که این محاکم، ثبت اسناد را از محکمه اسلامی شیخ‌الاسلام‌ها الگوبرداری کرده بودند (رضایی، ۱۳۸۶، زمستان: ۲۸-۲۷؛ رضایی، ۱۳۸۸: ۵۱-۵۰؛ رضایی، ۱۳۹۸: ۳۷-۳۴). مجتهدان محکمه اسلامی از خاندان معروف به خاندان تمامی یا شیخ‌الاسلامیه بودند. فارسنامه ناصری «سلسله جلیله شیخ‌الاسلامیه» را از بزرگان محله بازار مرغ شیراز معرفی می‌کند و نسبشان را به قبیله تمامی احسا و قطیف عربستان نسبت می‌دهد. که «قبالجات شرعی معتبره املاک و ضیاع و عقار و اسناد شرعی اهلالی مملکت فارس به خط و مهر بزرگان این سلسله زینت یافته است و از اهتمام و دقت فکر در عبارات قبالجات... خدشه و خللی، ناسخ و منسوخ... در محکمه اسلامی منتسب به این سلسله دیده و شنیده نگشته است». فارسنامه ناصری ورود خاندان شیخ‌الاسلام به شیراز را ۱۱۱۶ ق یعنی اواسط دوره شاه سلطان حسین صفوی معرفی می‌کند (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۲/۹۲۲؛ رضایی، ۱۳۹۷، پاییز: ۹۹). با کشته شدن میرزا مهدی نسابه شیخ‌الاسلام شیراز به دست افغان‌ها و خالصه شدن موقوفات توسط نادرشاه منصب شیخ‌الاسلامی شیراز و توابع از خاندان نسابه به خاندان شیخ‌الاسلامیه تمامی منتقل شد.

شدند اما شکرالله‌خان تمکین نکرد. محمدعلی‌خان قشقایی ایلخانی ایلات فارس که داماد فرمانفرما بود و با شکرالله‌خان نوری مخالفت می‌کرد باطناً طبع فرمانفرما را به خود مایل می‌خواست (هدایت، ۱۳۸۰: ۷/۹۷۲۰). پس اهالی فارس با قشقایی‌ها همراهی کردند کار به جنگ کشید و کل ایلات و اهالی شیراز با نوریه مخالفت کردند. به قول شیروانی طایفه نوری دشمن محمدعلی‌خان ایلخانی بودند اما محمدعلی‌خان همگی ایشان را مقهور و مخدول ساخت و «اکنون که سال ۱۲۴۲ ق است قریب دو ماه می‌شود که نوریان به ظلمت مذلت متواری شدند و زکی‌خان و متابعانش گرفتار و منکوب شدند». سرانجام فرمانفرما طایفه نوری را از فارس اخراج می‌کند و محمدزکی‌خان از وزارت معزول می‌شود (شیروانی، ۱۳۴۸: ۲۷۹ و ۳۷۲؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲/۷۳۳-۷۳۱؛ حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۲/۹۷۸-۹۷۶؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۷/۹۷۲۱-۷۹۲۰). بعداً که دوباره محمدزکی‌خان در ۱۲۴۵ ق به وزارت و سرداری فارس منصوب می‌شود ایلات مانع از ورودش به فارس شدند. شکرالله‌خان نوری در ۱۲۴۸ ق به شیراز می‌آید و فرمانفرما او را به ضبط حکومت چندین بلوک فارس مانند قیرو کارزین، جویم، بیدشهر، خنج، افز، محال ممسنی، فیروزآباد و سروستان منصوب می‌کند (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲/۷۳۳-۷۳۱؛ حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۲/۹۷۸-۹۷۶). ظاهراً بلوک قیرو کارزین از موارد نزاع خاندان نوری و ایل قشقایی بود (رضایی، ۱۳۹۰، زمستان: ۷۰). بنابراین ایل قشقایی با جماعت نوریه در رقابت بودند و منافعشان در شیراز و بلوکات در تضاد قرار داشتند. پس از خاندان نوری سران قشقایی با خاندان قوام‌الملک رقابت کردند. بارون دودب که در ذیقعه ۱۲۵۶ از شیراز در زمان والی‌گری فرهاد میرزا معتمدالدوله بر فارس (۱۲۵۹-۱۲۵۶ ق) دیدن می‌کند، شیراز را میان دو اردوی رقیب تقسیم‌شده می‌بیند. یک گروه محمدقلی‌خان ایل‌بیگی که برادر بزرگ‌ترش محمدعلی‌خان ایلخانی در تهران بود و گروه رقیب یعنی حاجی میرزا علی‌اکبرخان قوام‌الملک کلاتر شیراز که با یکدیگر در رقابت و جنگ بودند. او می‌نویسد فرهادمیرزا والی و وزیرش با زنده نگه داشتن دشمنی میان دو گروه قصد داشتند تا قدرت و اعتبار خودشان را حفظ کنند والی از یک گروه و وزیرش از گروه رقیب حمایت می‌کند که این کار اداره امور و نوعی از نظم را برقرار می‌کند (بارون دودب، ۱۳۷۱: ۱۱۹).

۱۰. سجع مهرها

سجع مهر پنج گروه در شش وقف‌نامه وجود دارد که عبارتند از: ۱- شیخ‌الاسلام‌ها ۲- محررها ۳- قاضی شیراز ۴- ثبات ۵- واقفان ۶- شهود. ۱- سجع مهر شیخ‌الاسلام‌ها: پیش از مشروطه و تصویب

(رضایی، ۱۳۹۷، پاییز: ۱۰۵). سجع مهر شیخ‌الاسلام محمدحسین بزرگ‌تر از سجع مهر زین‌العابدین علوی قاضی است که نشانه برتری مقام اوست. در رویه طومار در محل اتصال برگه‌های کاغذ در سمت راست زین‌العابدین قاضی در کنار جای مهر جانی‌خان واقف، مهر زده است. قاضی برخاسته از جامعه روحانی و در زمره صاحب‌منصبان هر شهر بود. در سلسله‌مراتب کاری، قضات زیر نظر شیخ‌الاسلام‌ها کار می‌کردند (طیبی، ۱۳۸۷، پاییز: ۱۸۴).

۳- سجع مهر محررها: محرران محکمه شرعیه برای احترام، سواد و موقعیت شغلی القایی مانند میرزا، میرزا سید، حاجی‌میرزا، ملا، حاجی ملا و شیخ داشتند، آنها اغلب از سادات حسینی بودند. محرران در محکمه شرعیه بین خودشان سلسله‌مراتبی داشتند. مقام محرران در اسناد از راست به چپ (از ابتدای سطر به طرف انتهای سطر) کاهش می‌یافت. هر سند در محکمه شرعیه توسط یک تا ده محرر مهر می‌شد. در سلسله قاجار در محاکم شرعیه شیراز به‌ویژه محکمه اسلامییه حداقل چهل محرر از خاندان‌های تمامی، انجوی و شریف مشغول به کار بودند. محرران محاکم شیراز از دوره زند تا قاجار اصرار داشتند تا خود را معرفی نمایند و تعداد محرران تأثیری در شدت و ضعف میزان اعتبار معامله نداشت بلکه مهر زندشان صرفاً به‌معنی حضورشان در محکمه شرعیه یا محضر بود. شأن محرران پایین‌تر از شیخ‌الاسلام و بالاتر از شهود بود (رضایی، ۱۳۸۶، زمستان: ۲۹-۳۰ و ۳۲ و ۳۶؛ رضایی، ۱۳۸۸، ۵۴-۶۱). در وقف‌نامه شماره یک از واقفان قشقایی دو محرر در زیر ابتدای خط اول مهر زده‌اند اما سجع مهر مربعی‌شان نامشخص است. در وقف‌نامه شماره دو یک محرر در ابتدای خط اول و سه محرر در زیر ابتدای خط اول مهر زده‌اند. سجع مهرها به جز یک سجع مهر «عبدہ الراجی محمدحسین [...]» نامفهوم هستند. در وقف‌نامه شماره شش در بالای وسط خط اول محرر مهری با سجع «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده عليقي» زده است.

۴- سجع مهر ثبات یا ثبت‌دار: محکمه اسلامییه شیراز سنت ثبت و ویژه‌ای داشت، طبق عرف، ثبات محاکم شرع شیراز، جای عبارت ثبت (نشانه ثبت) و جای سجع مهر را در نزدیکی خط اول در سمت راست سند به صورت عمودی درج می‌کردند. در وقف‌نامه‌های قشقایی که در محکمه اسلامییه ثبت شده‌اند عبارت ثبت و سجع مهر ثبت‌دار عبارتند از الف. در رویه طومار و در وقف‌نامه شماره یک و در پشت طومار و در وقف‌نامه شماره دو نزدیک خط اول و در سمت راست عبارت «ثبت محکمه علییه عالییه اسلامییه شد» نوشته شده است که در زیر آنها ثبت‌دار مهر زده است. سجع مهر ثبات در رویه طومار «العبد [اسماعیل بن] محمد

شیخ‌الاسلام‌ها در فارس املاک تیول داشتند و از حکومت قاجار مستمری دریافت می‌کردند (رضایی، ۱۳۹۰، زمستان: ۶۶-۶۳؛ فراستی، ۱۳۹۶: ۶۲-۶۱). خاندان تمامی نه تنها لقب شیخ‌الاسلامی شیراز و توابع آن را رسماً در اختیار داشتند بلکه با زندگی در شیراز مرکز سیاسی-اقتصادی ایالت فارس و پیوندهای محلی‌ای که با خاندان‌های معتبر برقرار کردند توانستند پایگاه اجتماعی-اقتصادی‌شان را ارتقا بخشند (رضایی، ۱۳۹۰، زمستان: ۶۱). از افراد خاندان شیخ‌الاسلام شیراز عبارتند از: ۱- شیخ محمدباقر تمامی شیخ‌الاسلام مملکت فارس (۱۱۷۵-۱۱۸۷ق) ۲- شیخ محمدحسن بن شیخ محمدباقر (۱۱۸۸-۱۲۰۴ق) ۳- شیخ محمدحسین (؟-۱۲۲۲ق) بن شیخ محمدباقر تمامی. با قدرت گرفتن آقامحمدخان قاجار شیخ محمدحسین در منصب خود ابقا می‌شود و در رقی از آقامحمدخان از شیخ محمدحسین با عنوان «شیخ‌الاسلام شیراز و توابع» نام برده می‌شود. ۴- پس از شیخ محمدحسین (۱۲۲۲-۱۱۹۸ق) نابرداری‌اش شیخ محمدامین بن شیخ محمدباقر (۱۲۴۹-۱۲۲۲ق) شیخ‌الاسلام می‌شود ۵- حاج شیخ ابوالقاسم تمامی بن محمدحسین (۱۲۸۶-۱۲۴۹ق) (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۲/۹۲۴-۹۲۲؛ فراستی، ۱۳۹۶: ۶۲-۶۱؛ رضایی، ۱۳۹۷، پاییز: ۹۹ و ۱۰۵-۱۰۴ و ۱۰۷-۱۰۹). از میان شیخ‌الاسلام‌های بالا که در محکمه اسلامییه شیراز وقف‌نامه‌های قشقایی‌ها را تأیید کردند عبارتند از: ۱- محمدحسین ابن محمدباقر ۲- محمدامین ابن محمدباقر ۳- ابوالقاسم ابن محمدحسین. شیخ محمدامین ابن محمدباقر تمامی شیخ‌الاسلام فارس در جریان کوچ ایل قشقایی به کرمان از طرف فرمانفرما والی فارس به همراه میرزا علی‌اکبر خان قوام‌الملک به کرمان فرستاده می‌شوند تا سران ایل قشقایی را به فارس بازگردانند (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲/۸۴۶-۸۴۷).

البته در وقف‌نامه شماره ۱ در کنار سجل و سجع مهر شیخ‌الاسلام محمدحسین بن محمدباقر تمامی، سجل و سجع مهری با عبارت «[...] افوض امری [...] [...] صالح» وجود دارد. همین‌طور در وقف‌نامه شماره ۳ سجل و سجع مهری با عبارت «لا اله الا الله الملك الحق المبين محمدباقر الموسوي» وجود دارد، که به نظر می‌سد این دو نفر جزو شیخ‌الاسلام‌ها نیستند ولی باید از جمله روحانیون شیراز باشند.

۲- سجع مهر قاضی شیراز: در وقف‌نامه شماره یک که واقف عین موقوفات جانی‌خان قشقایی است تأییدکننده وقف‌نامه شیخ محمدحسین ابن محمدباقر است که در کنار سجع مهرش، سجع مهر حاج میرزا زین‌العابدین علوی قاضی شیراز دیده می‌شود

فرزندان اسماعیل‌خان قشقایی و محمدعلی‌خان ایلخانی و مرتضی‌قلی‌خان ایل‌بیگی فرزندان جانی‌خان هستند که به جز رضاخان دیگران رقباتشان را وقف کرده‌اند. این موقوف‌ها که با انگیزه‌های مختلفی انجام شده به صورت خاص و عام-خاص هستند. از نظر سندشناسی محکمه اسلامی شیراز برای نگارش اسناد، عرف و روش خاص خودش را داشته است. با بررسی نام شیخ‌الاسلام‌ها و مشخص کردن محل عبارت ثبت و محل سجع مهر و نام محرران و ثبات می‌توان فهمید که وقف‌نامه‌های قشقایی در محکمه اسلامی شیراز تنظیم و ثبت شده‌اند.

منابع و مآخذ

اسناد

ساکما: ۹۹۹/۰۴۰۵۴۹

نسخ خطی

بیاض محمدعلی‌خان ایلخان قشقایی، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره بازیابی: ۱۱۴۱۷
منشآت، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، شماره بازیابی: ۸۰۱۲/۲

کتاب‌ها

آصف (رستم‌الحکما)، محمدهاشم، (۲۵۳۷)، رستم‌التواریخ، به کوشش محمد مشیری، تهران، امیر کبیر
ابریلینگ، پیر، (۱۳۹۳)، کوچ‌نشینان قشقایی فارس، ترجمه فرهاد طیبی‌پور، تهران، پردیس دانش
احمدی، نزهت، (۱۳۹۰)، در باب اوقاف صفوی (مجموعه مقالات)، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
بارون دوبد، کلمنت آگوستوس، (۱۳۷۱)، سفرنامه لرستان و خوزستان، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
بهادری قشقایی، داریوش، (۱۳۹۹)، سیر تحولات تاریخی ایل قشقایی از صفویه تا سقوط قاجاریه، چاپ دوم، تهران، سفیر اردهال
جهانگیر میرزا، (۱۳۲۷)، تاریخ نو، به کوشش عباس اقبال، تهران، کتابخانه علی‌اکبر علمی و شرکا
حسینی فسایی، حاج میرزا حسن، (۱۳۶۷)، فارسنامه ناصری، ج ۲، به تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، تهران، امیر کبیر
خاتون‌آبادی، سید عبدالحسین الحسینی، (۱۳۵۲)، وقایع‌السنین و العوام (گزارش‌های سالانه از ابتدای خلقت تا ۱۱۹۵ق)، تهران، کتابفروشی اسلامی
خاوری شیرازی، فضل‌الله بن عبدالنبی، (۱۳۸۰)، تاریخ ذوالقرنین، ج ۲، به کوشش ناصر اشرفی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات

دنبلی، عبدالرزاق بیگ، (۱۳۴۹)، تجزیة الاحرار و تسلیة الابرار، ج ۱، تصحیح

الحسینی» است و در پشت طومار سجع مهر ثبات «العبد المذنب سید علی بن محمدهاشم الحسینی» است. سیدعلی حسینی حداقل ۲۷ سال از ۱۲۵۶-۱۲۲۹ق به عنوان ثبات (سررشته‌دار و دفتردار) امور داخلی محکمه اسلامی را انجام می‌داد. از اواخر دههٔ چهل قمری در میان محرران که با سیدعلی حسینی کار می‌کردند شخصی به جمع همکاران محکمه با نام محمد هاشمی‌الحسینی اضافه شد که می‌توان او را به عنوان فرزند سیدعلی فرض کرد (رضایی، ۱۳۸۶، زمستان: ۲۸؛ رضایی، ۱۳۸۸: ۵۲).

۵- سجع مهر واقف‌ها: در وقف‌نامه‌های قشقایی، واقفان

جانی‌خان ایل‌بیگی / ایلخانی و فرزندش محمدعلی‌خان ایل‌بیگی / ایلخانی سجع‌های مهرشان با عبارات «لا اله الا الله الملك الحق المبین عبده جانی» و «لا اله الا الله الملك الحق المبین محمدعلی» وجود دارند. همچنین جانی‌خان در محل اتصال برگه‌ها در رویه و پشت طومار در سمت‌های راست و چپ مهر زده است.

۶- سجع مهر شهود: از میان شش وقف‌نامه، شهود فقط

در وقف‌نامه‌های شماره‌های یک و دو (۱۲۳۰ و ۱۲۲۰ق) در حاشیهٔ سمت راست مهر خود را زده‌اند. این شهود که نام و سجع مهر برخی از آنها ناخواناست براساس منزلت اجتماعی‌شان از بالا به پایین مهر زده‌اند و دارای القابی چون خان، حاجی، و برخی نیز از ایلات نفر و چهارده‌چریک هستند.

۱۱. نتیجه

شش وقف‌نامهٔ تحلیل شده در این مقاله از جمله اسناد نادر در قالب وقف‌نامه هستند که از خاندان شاهیلو باقی مانده‌اند. وقف‌نامه‌ها از خاندان شاهیلو به‌عنوان سران ایل قشقایی داده‌های تاریخی ارزشمندی از دورهٔ گذار از حکومت زند به قاجار در محدودهٔ جغرافیایی ایالت فارس ارائه می‌دهند. وقف‌نامه‌ها مشخص می‌کنند که اسماعیل‌خان قشقایی برخلاف آنچه پیشتر در منابع تاریخی آمده علاوه بر دو پسر به نام‌های جانی‌خان و حاجی حسن خان پسر دیگری به نام رضاخان مرحوم شده نیز داشته است که رقباتش به تنها دخترش که همسر محمدعلی‌خان فرزند جانی‌خان بوده به ارث رسیده است. املاک عامل مهمی در قدرت اقتصادی-سیاسی خاندان‌های دورهٔ قاجار محسوب می‌شود. این موضوع نیز در باب خاندان شاهیلو مصداق پیدا می‌کند. در وقف‌نامه‌ها سهم پنج نفر از خاندان شاهیلو از املاک و رقباتشان در شیراز و بلوکات فارس که به صورت موروثی یا ایتبایی بوده آمده است. این افراد شامل سه برادر به نام‌های رضاخان، حاجی حسن‌خان و جانی‌خان ایلخانی

مقاله‌ها

رضایی، امید، (زمستان ۱۳۹۰)، «حرفه، همزیستی و پیوندهای محلی: عوامل ریشه‌دواندن سلسله تمامی در شیراز دوره قاجاریه»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال سوم، شماره ۱۱، ص ۷۰، ۶۶-۶۳، ۶۱

-----، (پاییز ۱۳۹۷)، «استفاده از نقش مهرهای شخصی در بازشناسی دوباره شیخ‌الاسلام‌های شیراز در دوره قاجار»، *آرشیو ملی*، سال چهارم، شماره سوم شماره پیاپی، ص ۱۱۰-۱۰۹، ۱۰۷، ۱۰۵-۱۰۰، ۱۰۴، ۹۹

-----، (زمستان ۱۳۸۶)، «بررسی و تحلیل مهرهای بی‌یادداشت در قباله‌های دارالعلم شیراز»، *وقف میراث جاویدان*، شماره ۶۰، ص ۳۶، ۳۲، ۲۷-۲۸، ۲۹-۳۰

طیعی، سید محمد، (پاییز ۱۳۸۷)، «محاکم شرع در دوره قاجار تا انقلاب مشروطه»، *مجله پژوهش‌های اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، سال دوم، شماره سوم، ص ۱۸۳، ۱۸۴-۱۸۲

کومی‌هاسه، گاوا، (پاییز ۱۳۹۱)، «خاندان نوری و ولایت فارس در ابتدای دوره قاجاریه»، *ترجمه ایچیرو از او با همکاری امید رضایی، پیام بهارستان*، ۲، ص ۵، ۱۷، ص ۵۳۰، ۵۲۷، ۵۲۵

حسن قاضی طباطبایی، تبریز، شفق
دیوان‌بینگی شیرازی، احمد، (۱۳۶۴)، *حدیقه‌الشعرا*، ج ۱، تصحیح و تحشیه عبدالحسین نوایی، تهران، زرین

-----، (۱۳۶۵)، *حدیقه‌الشعرا*، ج ۲، تصحیح و تحشیه عبدالحسین نوایی، تهران، زرین

رضایی، امید، (۱۳۹۸)، *فهرست مجموعه قباله‌های اسناد محاکم شرع فارس و زنجان در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (دوره قاجار)*، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

-----، (۱۳۸۸)، *قباله‌های پارسی: پردازش صوری و محتوایی*، قم، انتشارات اسوه

روحي، سعید، (۱۳۸۵)، *در محضر شیخ فضل‌الله نوری: اسناد حقوقی عهد ناصری*، ج ۱، مقدمه علی آل‌داود، تهران، نشر تاریخ ایران

سنبل‌زاده، وهبی، (۱۳۶۸)، «*سفارت‌نامه وهبی سنبل‌زاده ۱۱۸۹*»، سفارت‌نامه‌های ایران، به کوشش محمدامین ریاحی، تهران: توس

شیروانی، حاجی زین‌العابدین، (۱۳۳۹)، *ریاض‌السیاحه*، تصحیح اصغر حامد (ربانی)، تهران، کتابفروشی سعدی

-----، (۱۳۴۸)، *حذائق‌السیاحه*، بی‌جا، سازمان چاپ

دانشگاه

غفاری کاشانی، ابوالحسن، (۱۳۶۹)، *گلشن مراد*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، ارژنگ

فراستی، رضا، (۱۳۹۶)، *رقم‌های آقامحمد خان قاجار*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

قشقایی، ملک‌منصور خان، (۱۳۹۱)، *خاطرات ملک‌منصور خان قشقایی*، به کوشش کاوه بیات و منصور نصیری طیعی، تهران، نامک

قهرمانی (معین‌دفتر)، میرزا نصرالله خان، (۱۳۹۹)، *تاریخ ایل قشقایی*، خاطرات میرزا نصرالله خان قهرمانی، به کوشش کاوه بیات، تهران، نامک

کندوله‌ای، الماس خان، (۱۳۹۶)، *جنگ‌نامه نادر به زبان هورامی (دوره نادر)*، ترجمه و تصحیح مظهر ادوای، تهران، ققنوس

گیبوزن، ریچارد، (۱۳۹۵)، *سفرنامه ریچارد گیبوزن*، ترجمه امید شریفی، تهران، انتشارات ایران‌شناسی

لسان‌الملک سپهر، محمدتقی، (۱۳۷۷)، *ناسخ‌التواریخ (تاریخ قاجاریه)*، ج ۱ و ۲، به کوشش جمشید کیانفر، تهران، اساطیر

مروی، محمد کاظم، (۱۳۶۴)، *عالم‌آرای نادری*، ج ۳، ترجمه عنایت‌الله رضا، تصحیح محمدامین ریاحی، تهران، کتابفروشی زوار

میرزا محمد کلانتر فارس، (۱۳۲۵)، *روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس*، به کوشش عباس اقبال، تهران، شرکت سهامی چاپ

نامی اصفهانی، محمدصادق، (۱۳۶۳)، *تاریخ گیتی‌گشا*، به کوشش سعید نفیسی، تهران، اقبال

نصیری طیعی، منصور، (۱۳۹۳)، *ایل قشقایی در تاریخ معاصر ایران*، تهران، پردیس دانش

هدایت، رضاقلی خان، (۱۳۸۰)، *تاریخ روضه‌الصفای ناصری*، جلد ۹، تصحیح جمشید کیانفر، تهران، اساطیر